



سازمان اوقاف و امور خیریه

معاونت فرهنگی

عَلَمِکَرِیْمِ

شکاف‌های کوه را پر می‌کند، خدای متعال و بی‌شریک می‌فرماید: به بندهام از روزی خویش دادم، آن روزی را برداشته و خرج خود و خانواده‌اش کرد.
انگاه آنان را بیرون آورد، آنان را آورد تا با آنها این جاهای خالی را پر کنند، در پی آموزش من. گناهِش را می‌آمزم و آنچه فکرتش را مشغول ساخته، بر عهده می‌گیرم و روزیش می‌دهم».
سید می‌گوید: «امام چیزهای دیگری هم فرمود، نزدیک به ده چیز».

امامان، بهترین مفسران قرآن

خستگی، طاقتش را ربوده بود، ولی اشتیاق به دانش، او را به سوی مسجد پیامبر اکرم(ص) می‌کشاند. وارد مسجد شد و از کسی درباره‌ی شاهد و مشهود که در قرآن آمده است، پرسید. یکی پاسخ داد: «شاهد، روز جمعه و مشهود، روز عرفه است». از دیگری پرسید، ولی او گفت: «شاهد، روز جمعه و مشهود، روز عید قربان است». کودکی که در مسجد مشغول عبادت بود، توجه او را به خود جلب کرد. نزد او رفت و پرسش خود را نزد او نیز مطرح کرد. او در پاسخی دگرگونه گفت: «شاهد، رسول خدا و مشهود، روز قیامت است».

مرد دلیل آن را پرسید. کودک پاسخ داد: «مگر در کلام خدا نخوانده‌ای که درباره فرستادهاش می‌فرماید: إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا؛ ای پیامبر ما تو را گواه و بشارتگر و هشداردهنده، فرو فرستادیم(احزاب: ۴۵). مگر در قرآن نخوانده‌ای که پروردگار درباره قیامت می‌فرماید: ذَلِكْ يَوْمَ مَجْمُوعٍ لِّه النَّاسِ وَ ذَلِكْ يَوْمَ مَشْهُودٍ؛ آن روز، روزی است که مردم را برای آن گرد می‌آورند و روزی است که (جملگی در آن) حاضر می‌شوند«هود: ۱۰۳). مرد در شگفتی ماند و از دیگران، نام آن کودک را پرسید. او حسن بن علی بن ابی‌طالب بود.(بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۴۶)

دعای شروع روز عرفه

نزد امام صادق(ع) نشسته بودم. روز عرفه نزدیک می‌شد. امام فرمود: «اگر صبح روز عرفه، روانه‌ی عرفات می‌شوی، روزت را این گونه شروع کن و بگو: اللَّهُمَّ إِنِّيكَ صَمِدٌ، وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ، وَوَجْهَكَ أَرَدْتُ، فَاسْأَلُكَ أَنْ تَبَارِكَ فِي رَحْمَتِي، وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي، وَأَنْ تَجْعَلَ لِي الْيَوْمَ مَمَّنْ تَبَاهِي بِه مِنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي؛ خدایا! قصد به تو اعتماد دارم، و خواست و رضای تو را می طلبم، از تو می خواهم، که این سفر و آمدن مرا مبارک گردانی، حاجتم را برآورده سازی، و این روز را برای من، از روزهایی قرار دهی، تا آن گونه بدان مباحثات کنم، که کسی که از من برتر بود (پیامبر(ص)) بدان مباحثات می‌کرد».(کافی، ج ۴، ص ۴۶۲)

در کوچه باغ خاطره

عرفه، جوشش زلال ربّتا از کویر سینه‌های عطشناک، بر دشت‌های آفتاب خورده‌ی استجابت است و عرفات، میزبان نگین سلیمانی هستی، حضرت حسین(ع) است که حج نیمه تمام خود را در این صحرا با نیایش کامل می‌کند؛ دعا می‌خواند و اشک می‌ریزد و صحرا، دل‌نگران کاروانیانی است که آن جا بی‌توته کرده‌اند و راه کربلا را در پیش می‌گیرند. عرفه با عاشورا

آشناست و هر دوی آن‌ها صدای مناجات حسین(ع) را در دل خود زنده نگه داشته‌اند. دل در جوشش ناب عرفه، وضو می‌گیرد و در صحرای تقفیده عرفات، جاری می‌شود. آن جا که ایوان هزار نقش خدانشناسی است. لبها ترمب با طراوت دعا به خود گرفته و چشم‌ها امان خود را از بارش توبه، از دست داده‌اند. دل، می‌قرار روح عرفات، حضرت ابا عبدالله الحسین(ع)، شده است. پنجره باران خورده‌ی چشم‌ها از ضریح آجابت، تصویر می‌دهد و این صحرای عرفات است که با کلمات روح‌بخش دعای امام حسین(ع) و اشک عاشقان او، بر دامن خود اجابت را نقش می‌کند. با پای اشک، از جاده‌های دل عبور می‌کنیم و دستان محبت را به دامن قرب رسانده، دیده را شراب نور می‌نوشانیم. به قبله حضور رو کرده، روح نیازمند خود را به طواف رحمت و غفران الهی در می‌آوریم. با دل‌های مقیم سرزمین اشک‌ها و زمزمه‌ها، عرفات هم‌نوا شده، با کبوترهای سفیدپوش مُحرم، که با خاک عرفات تیمم می‌کنند به درگاهش توبه می‌کنیم. توبه‌ی ما را پذیرا باش و اشک و زمزمه‌ی ما را بپذیر، ای خدای عرفه!

گلبرگی از آفتاب

رهایی از آتش

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: ما من یومٍ اَکْثَرَ أَنْ یُعَیْقَ اللَّهُ فِیهَ عَبْدًا مِنَ النَّارِ مِنْ یَوْمِ عَرَفَةَ؛ خداوند در هیچ روزی به اندازه‌ی روز عرفه، بندگان را از آتش دوزخ نمی‌رهاند.(صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۰۷)

مباحثات به اهل عرفه

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: إِنَّ اللَّهَ یَبْهِي مَلَائِكَتَهُ عَشِيَّةَ عَرَفَةَ بِأَهْلِ عَرَفَةَ فَيَقُولُ: انظُرُوا إِلَى عِبَادِي أَتُونِي شِعْثًا غَيْرًا؛ خداوند در غروب عرفه نزد فرشتگانش به اهل عرفه می‌بالد و می‌گوید: بندگانم را بنگرید! ژولیده و غبار آلود، نزد من آمده‌اند.(مسند احمد، ج ۲، ص ۲۲۴)

گنجه‌کارترین فرد در روز عرفه

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: اعْظُمُ اَهْلَ عَرَفَاتٍ جُرْمًا مِنْ انْصَرَفَ وَ هُوَ يَظَلُّ أَنَّهُ لَنْ يُعْفَرَ لَهُ؛ گناهکارترین فرد در عرفات کسی است که از آن جا باز گردد در حالی که گمان می‌برد آمرزیده نخواهد شد.(بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۴۸)

فقط در عرفات

امام علی(ع) فرمود: مِنَ الذُّنُوبِ ذُنُوبٌ لَا تُعْفَرُ إِلَّا بِعَرَفَاتٍ؛ برخی از گناهان جز در عرفات بخشوده نمی‌شوند.(دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۹۴)

امام صادق(ع) فرمود: تَخَيَّرَ لِنَفْسِكَ مِنَ الدُّعَاءِ مَا أَحْبَبْتَ وَاجْتَهَدْتَ، فَإِنَّهُ (يَوْمَ عَرَفَةَ) يَوْمٌ دُعَاءٌ وَ مَسْأَلَةٌ؛ هر چه می‌خواهی برای خود دعا بخوان و [در دعا کردن] بکوش که آن روز (روز عرفه) روز دعا و درخواست است.(التفهيد الأحكام، ج ۵، ص ۱۸۲)

خدایا چگونه‌ام؟

امام حسین(ع) فرمود: اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي؛ خدایا! من در حال بی‌نیازی نیازمندم؟ پس چگونه در حال فقر نیازمند [تو] نباشم؟(بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۲۵)

وقف قرآن

وقف قرآن برای مساجد و آرامگاه‌ها از رایج‌ترین انواع وقف است که با نیت تقرب به خداوند متعال و طلب آموزش و بهره‌مندی احیا و اموات از اجر و ثواب دنیوی و اخروی انجام می‌شود. این سنت خاصه در ایران در طول تاریخ حیات درخشان اسلامی اش رایج و متداول بوده است.

کهن‌ترین نسخه‌ی قرآنی موقوفی دنیای اسلام متعلق به قرن دوم هجری است که در سال ۱۶۸ هجری قمری در وقف شده است و در ایران، کهن‌ترین قرآن موقوفی از قرن چهارم هجری قمری در موزه‌ی قرآن و نفائس آستان قدس رضویبه خط کوفی ایرانی موجود است. قرآن‌های خطی موجود کهن، از جمله‌ی نفیس‌ترین مجموعه‌های نسخه‌های خطی قرآنی به شمار می آیند که عمدتاً برای مساجد، مقابر و اماکن متبرکه وقف شده‌اند.

رهنمود

سفارش می‌کنم ایام دهه مبارک ذی‌الحججه، مخصوصاً روز عرفه را قدر بدانید.

مقام معظم رهبری
برکات عظیم روز عرفه، چنین روزی را به معنای روز عید، روز برکت و روز رحمت از طرف پروردگار به ما معرفی می‌کند.

مقام معظم رهبری
از روز عرفه برای نزدیک شدن دل‌های‌تان به خدای متعال، هر چه بیشتر استفاده کنید.

مقام معظم رهبری
عرفه روز بزرگی است.

مقام معظم رهبری
ما مثل دعای عرفه کمتر دعایی داریم که سوز و گداز و نظم عجیب و توسل به ذیل عنایت حضرت حق متعال بر فانی دیدن خود در مقابل ذات مقدس ربوبی در آن باشد.

مقام معظم رهبری
مقام معظم رهبری

عطر یادها

روز نهم ذی‌حجه، «روز عرفه»، از اعیاد بزرگ اسلامی به شمار می‌رود، گر چه به اسم عید نامیده نشده است. در این روز خداوند تبارک و تعالی بندگان خود را به عبادت و اطاعت خود فراخوانده، و سفره جود و احسان خود را برای بندگان خود گسترانده است. شیطان در این روز خوار و حقیر و خشمناک است. از روایات و احادیث اهل بیت(ع) و دعا‌های این روز بر می‌آید که خداوند متعال در روز عرفه به بندگان خود عنایات ویژه‌ای منظور کرده است. عرفه، همچنانکه که از نامش پیداست روز آشنایی و عرفان و روز نیایش و آرامش عارفان حقیقت جو

و سالکان عاشق است. در این روز دل‌های ناآشنا با آفریدگار هستی آشنا می‌شوند و از بند نفس اماره و وسوسه‌های شیاطین رهایی می‌یابند. انسان باید در روز عرفه خود را بشناسد، به هدف خود معرفت پیدا کند، به زندگی گذشته و آینده‌ی خود شناخت یابد و در شناسایی دشمن حقیقی خود یعنی شیطان و وسوسه‌های شیطانی غفلت نکند و بالاخره گام در جهت شناخت انسان‌های والا و اسوه‌های حقیقی که همان پیشوایان معصوم(ع) هستند، بردارد. با مروری کوتاه به دعای روز عرفه و احادیث اهل بیت(ع) می‌توان به این حقیقت پی برد، از ظهر روز نهم ماه ذی‌حجه، زائران خانه‌ی خدا در صحرای «عرفات» وقوف می‌کنند و برای این وقوف، فضایل بسیاری ذکر شده است. در غروب این روز، زائران، از عرفات به «مشعرالحرام» می‌روند و خود را برای سایر مناسک پر شکوه حج آماده می‌کنند.

کوچه‌های آسمان

«عمران بن عبدالله» از یاران امام صادق(ع) بود. او گاهی به مدینه سفر می‌کرد و خدمت امام می‌رسید. یک بار یکی از شاگردان امام، او را نزد ایشان دید. امام بسیار به عمران احترام گذاشت و با او مهربانی کرد. وقتی رفت شاگرد از امام پرسید: «سرورم! او که بود؟» امام دور شدن عمران را تماشا می‌کرد. سری تکان داد و فرمود: «او از بهترین دوستداران ما اهل‌بیت(ع) است.»

موسم حج از راه می‌رسید. حاجیان آماده‌ی سفر به خانه‌ی خدا می‌شدند. عمران هم بار سفر بسته بود. او از مدت‌ها قبل هدایایی برای امام تهیه کرده بود. حاجیان از هر سو به سوی مکه می‌آمدند. آفتاب سوزان مکه می‌تابید.

عمران جامه‌ی سپید حج بر تن داشت. مثل بقیه‌ی حاجیان. او در بین شلوغی‌ها به دنبال پیشوای خود امام صادق(ع) می‌گشت. اما امام را نیافت.

حاجیان، دور خانه‌ی خدا طواف کردند و رهسپار سرزمین «عرفات» شدند. آفتاب داغ‌تر از همیشه می‌تابید. عمران به سوی شترش رفت. از لای بارهایش، چادرها را بیرون آورد. او می‌خواست برای امام خیمه‌ای برپا کند.

عمران، دوباره بین مردم رفت تا امام را پیدا کند. بالاخره امام را در میان شلوغی‌ها یافت. با خوشحالی جلو رفت و وسایل امام را از دست ایشان گرفت. او خود را معرفی کرد. امام از دیدن او خوشحال شد.

عمران امام را به سوی خیمه‌ی سفید راهنمایی کرد. او با خوشحالی به امام گفت: «فدایت شوم! من پارچه‌ی این خیمه را با دست خودم بافته‌ام و برای شما آورده‌ام تا شما در آن راحت باشید». امام پرسید: «قیمت آن چقدر است؟»

عمران پاسخ داد: «مولای من! این خیمه، هدیه‌ی من به شما و خانواده‌ی شماست. من آن را به شما هدیه می‌دهم. امیدوارم آن را از من بپذیرید و مرا در این روز دعا کنید». امام با مهربانی دست او را گرفت. خیمه، سایه‌ی دلپذیری درست کرده بود.

امام لیخندی زد و از او تشکر کرد. وارد خیمه شد و نشست. عمران با امام مشغول صحبت

شد. امام نگاهی به چادر کرد فرمود: «خدا تو و خاندانت را در سایه‌ی لطف خود قرار دهد. در روز قیامت که سایه‌ای جز لطف او نیست».

آفتاب گرم سرزمین عرفات می‌تابید و حاجیان در رفت و آمد بودند.(اختیار معرفه‌الرجال، ص۳۳۳)

در محضر نور

علت نامگذاری عرفه و عرفات

سوالی در ذهنم بود. نزد امام صادق(ع) رفتم. اجازه خواستم که بنشینم.از ایشان درباره‌ی علت نامگذاری عرفه و عرفات، پرسیدم. حضرت فرمود: «ای معاویه بن عَمّار! جبرئیل، حضرت ابراهیم(ع) را روز عرفه بیرون آورد. وقتی که ظهر شد به وی گفت: ای ابراهیم! به گناهت اعتراف کن و عبادت‌هایت را بشمار. از این رو [به آن روز عرفه و به این سرزمین] عرفات گفته می‌شود، چون جبرئیل گفت: اعتراف کن و او هم اعتراف کرد».(علل الشرایع، ص ۴۴۶)

عرفه و خدمت به خلق

روز عرفه بود. امام هادی(ع) به من دستور داد گوسفندهای بسیاری خریداری کنم. دستور امام را اجرا کردم و گوسفندان زیادی خریدم و آنها را به اصطبلی که در منزل امام بود بردم. سپس آن حضرت، آنها را به جای وسیعی انتقال داد و در آنجا همه‌ی آنها را بین مردم فقیر تقسیم کرد تا مردم برای قربانی در روز عید قربان و تجلیل و احترام به شاعر مذهبی در عید قربان آماده شوند. (اعیان الشیعه ، ج ۲ ص ۳۷)

همراه با سیدالشهدا(ع)

«بشیر» و «بشیر»، پسران «غالب اسدی» عصر روز عرفه، در صحرای عرفات خدمت امام حسین(ع) رسیدند. امام حسین(ع) به همراه گروهی از اهل بیت و فرزندان و شیعیان خود، از خیمه‌ها بیرون آمدند و در نهایت خشوع و خضوع در سمت چپ کوه ایستادند. امام حسین(ع) رو به سوی کعبه، دست‌هایش را برابر صورت برداشت و مانند مسکینی که طعامی طلبد، این دعا را خواند «الحمدلله الذی لیس لقضائه دافع …» در هنگام دعا اشک از دیدگانش جاری بود. دعا را خواندند تا به این جمله رسیدند «… وَ أَدْرَءَ عَنِّي فَسَقَةَ الْجَنِّ وَالْأَنْسِ» سپس سر خود را به سوی آسمان بلند کردند و با صدای بلند فرمودند: «یا اَسْمَعَ السَّماعِین انت علی کل شیءٍ قَدِیر یا رب.» و مکرر می‌فرمود «یا رب» و کسانی که پیرامون حضرت بودند، با ایشان هم‌صدا شدند در حالی که اشک بر گونه‌هایشان می‌ریخت، بدین حالت مدتی گذشت تا اینکه آفتاب غروب کرد و حضرت به همراه اهل‌بیت و اصحابش به جانب مشعر الحرام روانه شدند. (مفاتیح الجنان دعای عرفه)

یاداشی اهل عرفه

پیامبر(ص) در عرفات وقوف کرد. نزدیک بود که خورشید غروب کند. فرمود: «ای بلال! مردم را ساکت کن تا به سخنم گوش دهند». بلال برخاست و گفت: «به سخن پیامبر

خدا(ص) گوش فرا دهید». حضرت فرمود: «ای مردم! جبرئیل هم اینک نزد من آمد و از پروردگار به من سلام رساند و گفت: خدای متعال اهل عرفه را آمرزید و بدهکاری‌های آنان را تضمین نمود». عمر برخاست و گفت: «ای رسول خدا! آیا این که فرمودید فقط مخصوص ماست؟» پیامبر(ص) فرمود: «این برای شما و همه‌ی کسانی، است که پس از شما تا قیامت می‌آیند».(فروع کافی، ج ۴، ص۲۵۸)

همه به سوی او

امام زین العابدین(ع) در روز عرفه مردی تهیدست را مشاهده کرد که گدایی می‌کند و خواسته‌ی خود را با مردم در میان می‌گذارد. حضرت با ناراحتی به او فرمود: «ویحکا! اغیر الله تسال فی هذا الیوم؟ اینه لیبرجی لما فی بطون احبالی فی هذا الیوم ان یکون سعیداً؛ وای بر تو! آیا تو در چنین روزی خواست‌ات از غیر خدا طلب می‌کنی؟ در چنین روزی که این امید هست که انسان‌هایی که هنوز به دنیا نیامده‌اند از لطف و رحمت الهی برخوردار باشند!؟»

حضور در عرفه

با امام صادق(ع) در یکی از غروب‌ها در سرزمین عرفات بودیم، در حالی که مرا به حج، تشویق و ترغیب می‌کرد. فرمود: «ای سعید بن یسار! هر بنده‌ای که خداوند به او روزی داده باشد و او از آن روزی برداشته و خرج خود و خانواده‌اش کند، سپس آنان را به حج بیرون آورد و در برابر تابش خورشید قرار دهد، تا آن که غروب عرفه آنان را به موقف آورد و استراحت کند – آیا ندیده‌ای اشکاف‌هایی را در آنجا که در آنها کسی نیست؟» گفتم: «چرا دیده‌ام، فدایت شوم». امام فرمود: «خانواده‌ی خود را می‌آورد و با آنها، این رخنه‌ها و